



Studies on Israel - US
Vol 25. No 2. Summer 2024
Received date: 2024.04.10
Acceptance date: 2024.05.21



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

The Geopolitical Confrontation Between Russia and the United States in the Ukraine Crisis: Examining the Dimensions and Characteristics of the Hybrid War (2014-2022) and its Effects on Israel's Role-Playing

Maryam Haghpour¹



Abstract

The Ukraine crisis (2014-2022) is one of the most significant examples of hybrid warfare in the modern era, leading to a geopolitical confrontation between Russia and the United States. This war, characterized by a combination of conventional and unconventional military tactics, including cyberattacks, media propaganda, and irregular operations, demonstrates a shift in modern warfare strategies. Russia has extensively employed cyberattacks on Ukraine's infrastructure, particularly in the energy sector and e-government systems, exerting significant pressure on Kyiv. Simultaneously, Russia's large-scale media propaganda, aimed at influencing both domestic and international public opinion, has played a key role in supporting its actions and fueling separatist sentiments in eastern Ukraine. Meanwhile, the United States, through economic sanctions against Russia, military aid, and diplomatic support for Ukraine, has sought to curb Russia's influence and maintain the international order. NATO has also responded by increasing its military presence in Eastern Europe to counter Russian threats. Israel's role in this crisis is noteworthy, as it closely monitors regional developments, aiming to maintain a balance in its relations with both sides. This article examines the dimensions of hybrid warfare, its impact on international relations, and the geopolitical roles of key players such as the U.S. and Israel in the Ukraine crisis, highlighting how this conflict goes beyond a regional confrontation and has profound effects on the global order.

Keywords: United States, Ukraine Crisis, Hybrid Warfare, Cyberattacks, Russia.

1 - Researcher of Russian and American Issues, Graduate of Master's Degree in International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی

دوره ۲۵، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۳۱

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: علمی

رویارویی ژئوپلیتیکی روسیه و آمریکا در بحران اوکراین: بررسی ابعاد و ویژگی‌های جنگ هیبریدی (۲۰۱۴-۲۰۲۲) و تأثیرات آن بر نقش آفرینی اسرائیل

مریم حق‌پور^۱



چکیده

بحران اوکراین (۲۰۱۴-۲۰۲۲) یکی از مهم‌ترین نمونه‌های جنگ هیبریدی در دوران معاصر است که به رویارویی ژئوپلیتیکی میان روسیه و آمریکا منجر شده است. این جنگ، با ترکیبی از حملات نظامی متعارف و غیر متعارف از جمله حملات سایبری، تبلیغات رسانه‌ای و تاکتیک‌های نامنظم، نشان‌دهنده تحول در استراتژی‌های جنگی مدرن است. روسیه از طریق استفاده گسترده از حملات سایبری به زیرساخت‌های اوکراین، به ویژه در حوزه‌های انرژی و دولت الکترونیک، توانسته است فشارهای زیادی بر کی‌یف وارد کند. به موازات آن، تبلیغات رسانه‌ای گسترده روسیه، با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی داخلی و خارجی، نقش مهمی در حمایت از اقدامات این کشور و تحریک احساسات جدایی طلبانه در شرق اوکراین داشته است. در این میان، آمریکا با حمایت از اوکراین از طریق تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه، کمک‌های نظامی و دیپلماتیک، تلاش کرده تا جلوی نفوذ روسیه را بگیرد و نظم بین‌المللی را حفظ کند. ناتو نیز با افزایش حضور نظامی در مرزهای شرقی اروپا به مقابله با تهدیدات روسیه پرداخته است. نقش آفرینی اسرائیل نیز در این بحران قابل توجه است، زیرا این کشور با دقت تحولات منطقه را دنبال می‌کند و به دنبال حفظ توازن در روابط خود با هر دو طرف است. این مقاله به بررسی ابعاد جنگ هیبریدی، تأثیرات آن بر روابط بین‌المللی و نقش ژئوپلیتیکی بازیگران مختلف از جمله آمریکا و اسرائیل در بحران اوکراین می‌پردازد و نشان می‌دهد که این جنگ فراتر از یک درگیری منطقه‌ای است و بر نظم جهانی تأثیرات عمیقی داشته است.

واژگان کلیدی: آمریکا، بحران اوکراین، جنگ هیبریدی، حملات سایبری، روسیه.

مقدمه

مسئله پژوهش حاضر این است که روسیه و اوکراین چگونه، با چه اهدافی و در چه ساز و کاری از شیوه‌های سنتی جنگ عبور کرده و روشی ترکیبی در نبرد را اتخاذ کرده‌اند. اهمیت چنین پژوهشی به این است که شیوه ترکیبی نبرد روز به روز گسترده و عمیق‌تر می‌شود. گفتنی است که جنگ هیبریدی طی سال‌های اخیر به شدت مورد توجه سیاستمداران و پژوهشگران قرار گرفته است. در واقع این نوع از جنگ به حدی اهمیت دارد که موجب عبور جنگ از نسل چهارم به نسل پنجم شده است. به رغم اهمیت جنگ هیبریدی هنوز وجوه آن به طور کامل تبیین نشده و نظریه‌پردازی در باب آن به قوت ادامه دارد. یکی از رایج‌ترین تعریف‌ها درباره جنگ هیبریدی توسط فرانک هافمن مطرح شده است: جنگ هیبریدی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن دشمن به طور هم‌زمان و هماهنگ از سلاح‌های متعارف، تاکتیک‌های نامنظم، تروریسم و رفتار جنایی در فضای نبرد برای به دست آوردن اهداف سیاسی خود استفاده می‌کند (پورحسن، ۱۳۹۶: ۲۹).

در باب تعریف مفهوم جنگ هیبریدی، یک تعریف کامل و منسجمی از این نوع از جنگ‌ها در اختیار نداریم. می‌توان این نوع از جنگ را نوع ویژه‌ای از رویارویی لحاظ کرد که در برابر سایر تعاریف مربوط به واژه جنگ، از ترکیب چند مولفه و بازیگران در فضای نظامی تشکیل و ارائه می‌شود. با توجه به توانمندی‌ها و موقعیت‌ها و استراتژی‌هایی که در کشور روسیه مشاهده می‌کنیم، در حال حاضر این کشور در حال استفاده از جنگ ترکیبی-هیبریدی علیه اوکراین می‌باشد. ما نیز شاهد محو شدن مرز بین جنگ و صلح در عصر جدید هستیم که در حال ایجاد یک فضای خاکستری است که می‌توانیم آن را از مولفه‌های مرتبط با این جنگ بدانیم هر چند که قوانین مرتبط با جنگ در عصر کنونی برای همه بازیگران قوانینی تعریف شده و مشخص هستند. پس از یک دوره تقریباً کم تنش در روابط میان روسیه و غرب با ورود پوتین به قدرت، با قدرتمندتر شدن روسیه در هزاره سوم به مرور تنش‌هایی در روابط دو طرف شکل گرفت. اوج‌گیری این تنش‌ها در بحران اوکراین ۲۰۱۴ و الحاق کریمه به خاک روسیه بود. از زمان منضم شدن کریمه در فوریه و مارس ۲۰۱۴ به روسیه، بحث‌های بی‌شماری در مورد تهاجمی شدن سیاست امنیتی و خارجی روسیه و تهدید نظم بین‌الملل و غرب شکل گرفته است (ثمودی، ۱۳۹۹: ۱۷۵). روسیه بعد از آن باز هم در دوره‌های اخیر در رابطه با اوکراین تصمیم به استفاده از نوع جنگ هیبریدی گرفته است و دغدغه اصلی در ارتباط با این پژوهش نیز به این موضوع بر می‌گردد که ذهن افراد و به‌ویژه پژوهشگران را به این مسئله جلب می‌کند که در حال حاضر مفهوم

جنگ هیبریدی و کاربرد آن چه تاثیری را می‌تواند بر روی درگیری میان روسیه و اوکراین در دوران اخیر داشته باشد؟ پژوهش حاضر می‌کوشد مولفه‌هایی را که در ارتباط با این مفهوم در جنگ میان این دو کشور مورد استفاده قرار گرفته‌اند را بررسی کند. با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مطالعه منابع و مطالب علمی پژوهشی که در ارتباط با این موضوع منتشر گردیده‌اند، به نظر می‌رسد روسیه به دنبال آن است تا موقعیت خود را به‌عنوان یک قدرت بزرگ در منطقه همچنان تثبیت کرده، با توجه به این ذهنیت مقام‌های روسی، ما شاهد هستیم که این کشور برای رسیدن به پیروزی و جلوگیری از گسترش ناامنی‌ها در منطقه، به هر ابزاری متوسل می‌شوند. به نظر می‌رسد که روسیه اقدام‌هایی را همچون اختلال در شبکه توزیع انرژی اوکراین، هک کردن تارنماها و حمله به زیرساخت‌های حیاتی آمریکا و متحدان این کشور انجام می‌دهد. روسیه همچنین با تولید و توسعه موشک‌های کروز زمین پایه پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد را نقض کرده است (ثمودی، ۱۳۹۸: ۴۴). بحران اوکراین (۲۰۱۴-۲۰۲۲) نمادی از رویارویی ژئوپلیتیکی روسیه و آمریکا است که در آن روسیه با استفاده از جنگ هیبریدی، راهبردی ترکیبی را در نبرد علیه اوکراین اتخاذ کرده است. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی چگونگی عبور روسیه و اوکراین از شیوه‌های سنتی جنگ به سمت استفاده از روش‌های ترکیبی و هیبریدی است. هدف این پژوهش تحلیل ساز و کارهایی است که از طریق آنها روسیه توانسته با استفاده هم‌زمان از ابزارهای نظامی متعارف، تاکتیک‌های نامنظم، جنگ سایبری، عملیات اقتصادی و اطلاعاتی، اهداف سیاسی و ژئوپلیتیکی خود را در اوکراین پیش ببرد. اهمیت این پژوهش در این است که نشان دهد چگونه جنگ هیبریدی به یک ابزار مؤثر در سیاست خارجی روسیه تبدیل شده و به تدریج موجب تغییر ماهیت درگیری‌های نظامی در سطح بین‌الملل شده است.

جنگ هیبریدی به‌عنوان یکی از نوین‌ترین شیوه‌های جنگی، مرز میان جنگ و صلح را محو کرده و فضایی خاکستری ایجاد کرده که در آن از مولفه‌های مختلف مانند حملات سایبری، تبلیغات رسانه‌ای و فشارهای اقتصادی به طور هم‌زمان استفاده می‌شود (پورحسن، ۱۳۹۶: ۲۹). این پژوهش با این هدف، به دنبال تبیین این موضوع است که چگونه این نوع جنگ، نقش سنتی نیروهای نظامی و قواعد جنگ را تغییر داده و به روسیه اجازه داده تا در درگیری‌های خود با اوکراین و همچنین در تقابل با آمریکا و ناتو، هزینه‌ها و تلفات را کاهش دهد.

از سوی دیگر، نقش آمریکا و متحدانش در مقابله با این رویکرد ترکیبی نیز بررسی می‌شود، به‌ویژه از نظر اعمال تحریم‌های اقتصادی و حمایت از اوکراین. همچنین، اسرائیل به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای

که روابط پیچیده‌ای با هر دو قدرت دارد، نقشی محتاطانه در این بحران ایفا کرده و به دنبال حفظ توازن میان منافع خود در برابر روسیه و آمریکا بوده است. در یک کلام می‌توان مسئله پژوهش را این گونه خلاصه نمود که روسیه و همچنین اوکراین با چه مقاصد و اهدافی، گزینه جنگ ترکیبی علیه اوکراین را اختیار کرده‌اند؟ نتیجه این گزینه چه بوده است؟ آیا این گزینه می‌تواند جنگ را با هزینه و تلفات اندک و در زمانی کوتاه به سرانجام برساند؟

روش انجام تحقیق

در این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تحلیل محتوا، ماهیت و مبانی ویژگی‌های جنگ هیبریدی در بحران اوکراین و نظریه‌های مربوطه مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا با بهره‌گیری از روش اسنادی مبتنی بر مطالعه کتابخانه، اسناد، کتب و مقالات علمی پژوهشی، اطلاعات لازم جمع‌آوری شدند.

مبانی و مفاهیم

تعریف و ویژگی‌های جنگ هیبریدی

جنگ ترکیبی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن دشمن با استفاده هم‌زمان از سلاح‌های متعارف، تاکتیک‌های نامنظم، تروریسم و ابزارهای غیر نظامی مانند جنگ اطلاعاتی و رسانه‌ای، اهداف سیاسی خود را دنبال می‌کند. این جنگ بر خلاف جنگ‌های سنتی، غیر مستقیم و بدون زمان مشخص برای شروع و پایان است و به ایجاد مزیت نامتقارن در حوزه‌های مختلف قدرت ملی، از جمله نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک، متکی است. در جنگ هیبریدی، علاوه بر بازیگران دولتی، نیروهای غیر دولتی و نیابتی نیز نقش دارند و به طور هم‌زمان از ابزارهای متنوعی مانند تسلیحات متعارف و غیر متعارف، حملات سایبری و جنگ روانی استفاده می‌شود. مرکز ثقل در این نوع جنگ، افکار عمومی است و هدف اصلی، بی‌ثبات کردن جامعه و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیران کلیدی است. جنگ هیبریدی در بحران‌هایی مانند کریمه توسط روسیه و همچنین در موارد دیگر توسط آمریکا به کار گرفته شده است. در این جنگ‌ها، ابزارهای نظامی و غیر نظامی با هدف تخریب زیرساخت‌ها، تضعیف پایه‌های سیاسی و ایجاد اختلافات داخلی به کار می‌روند. کنفرانس امنیتی مونیخ نیز در تحلیل جنگ هیبریدی، به ترکیب حملات متعارف و نامنظم با استفاده از ابزارهای اطلاعاتی و اقتصادی اشاره کرده که به ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف منجر می‌شود (صفاری و وثوقی، ۱۳۹۵: ۱۲۸-۱۲۷).

آغاز بحران اوکراین

بحران اوکراین از سال ۲۰۱۳ آغاز شد، زمانی که ویکتور یانوکوویچ، رئیس‌جمهور وقت اوکراین، از امضای توافقنامه تجاری با اتحادیه اروپا خودداری کرد. این توافقنامه به‌عنوان بخشی از سیاست همکاری اروپا با کشورهای شرقی در نظر گرفته شده بود و هدف آن نزدیک کردن اوکراین به غرب و به‌ویژه اتحادیه اروپا بود. با این حال، یانوکوویچ تحت فشار روسیه تصمیم گرفت از این توافقنامه عقب‌نشینی کند و به جای آن روابط خود را با روسیه تقویت کند. این تصمیم باعث اعتراضات گسترده‌ای در کی‌یف و دیگر شهرهای اوکراین شد که به «جنبش میدان» معروف شد. اعتراضات خیابانی منجر به برکناری یانوکوویچ در فوریه ۲۰۱۴ شد و وی به روسیه فرار کرد (عسگرخانی، ۱۳۹۲: ۱۳).

پس از برکناری یانوکوویچ، نیروهای روسیه به سرعت کنترل شبه جزیره کریمه را به دست گرفتند و در مارس ۲۰۱۴، یک همه‌پرسی در کریمه برگزار شد که ۹۶ درصد از رای‌دهندگان به پیوستن این منطقه به روسیه رای دادند. این اقدام روسیه باعث واکنش‌های بین‌المللی شد، به‌ویژه از سوی اتحادیه اروپا و ایالات متحده که به تحریم‌های اقتصادی و سیاسی علیه روسیه دست زدند. در این میان، روسیه نیز اوکراین و اروپا را به قطع گاز تهدید کرد و مانورهای نظامی گسترده‌ای در نزدیکی مرزهای اوکراین انجام داد تا قدرت خود را به رخ بکشد. زمینه‌های بروز این بحران ریشه در تنش‌های داخلی اوکراین دارد. این کشور از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همواره دچار شکاف‌های داخلی بوده است. بخش غربی اوکراین به سمت غرب و اتحادیه اروپا گرایش دارد، در حالی که بخش شرقی آن، به‌ویژه مناطقی مانند دونتسک و لوہانسک، روابط نزدیکی با روسیه دارند و به لحاظ فرهنگی و زبانی نیز بیشتر به روسیه نزدیک هستند. این دوگانگی در اوکراین باعث شد که پس از برکناری یانوکوویچ و آغاز ناآرامی‌ها، روسیه به سرعت از شرایط استفاده کرده و مداخله کند. یکی از اهداف اصلی روسیه در این بحران حفظ نفوذ خود در اوکراین و جلوگیری از پیوستن این کشور به ناتو و اتحادیه اروپا بود (کریستوفر مرام، ۲۰۱۶: ۱۲). علی‌رغم اینکه اوکراین از نظر جغرافیایی و استراتژیک اهمیت زیادی برای روسیه دارد، مداخله روسیه با حمایت قابل توجهی در خود اوکراین مواجه نشد. نظرسنجی‌های انجام شده در سال ۲۰۱۴ نشان داد که اکثریت مردم اوکراین، حتی در مناطق شرقی مانند دونتسک و لوہانسک، از جدایی طلبی مسلحانه یا پیوستن به روسیه حمایت نمی‌کنند. با این حال، روسیه با استفاده از شبه نظامیان و نیروهای نیابتی در این مناطق ناآرامی‌ها را تقویت کرده و به درگیری‌ها دامن زد (Alpher, 2014: 2).

مداخله روسیه در اوکراین نه تنها به دلیل شرایط داخلی اوکراین بود، بلکه به‌عنوان بخشی از سیاست بزرگ‌تر ژئوپلیتیکی روسیه در منطقه نیز در نظر گرفته می‌شود. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روسیه تلاش کرد تا نفوذ خود را در جمهوری‌های سابق شوروی حفظ کند. اوکراین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین این جمهوری‌ها، نقش کلیدی در این راهبرد داشت. روسیه نمی‌خواست اوکراین به دنیای غرب نزدیک شود، زیرا این امر به معنای کاهش نفوذ روسیه و افزایش نفوذ ناتو و اتحادیه اروپا در مرزهایش بود. از سوی دیگر، گسترش ناتو و اتحادیه اروپا به سمت شرق، از جمله به کشورهای اروپای شرقی و بالتیک که قبلاً بخشی از اتحاد جماهیر شوروی بودند، به شدت روسیه را نگران کرد. روسیه این گسترش را تهدیدی مستقیم علیه امنیت ملی خود می‌دانست و بحران اوکراین فرصتی برای مسکو بود تا نشان دهد که نمی‌پذیرد ناتو و اتحادیه اروپا در مرزهایش گسترش یابند. از دیدگاه روسیه، اوکراین یکی از مهم‌ترین نقاط در این رقابت ژئوپلیتیکی با غرب بود. روسیه همچنین به دلایل تاریخی و فرهنگی به اوکراین اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. بسیاری از مردم اوکراین به‌ویژه در مناطق شرقی، خود را از نظر فرهنگی و زبانی به روسیه نزدیک‌تر می‌دانند و روسیه نیز همواره خود را به‌عنوان «حامی» این جمعیت‌ها معرفی کرده است. این باعث شد که روسیه در بحران اوکراین از این عناصر هویتی استفاده کند تا توجیهی برای مداخله نظامی و سیاسی خود ارائه دهد. در نهایت، بحران اوکراین به یک میدان بزرگ‌تر رقابت بین روسیه و غرب، به‌ویژه ایالات متحده و اتحادیه اروپا، تبدیل شد. اتحادیه اروپا و آمریکا با تحریم‌های اقتصادی و سیاسی علیه روسیه سعی کردند مسکو را تحت فشار قرار دهند، در حالی که روسیه نیز با استفاده از تهدیدهای نظامی و اقتصادی سعی داشت از نفوذ غرب در اوکراین جلوگیری کند.

نقش آمریکا در بحران اوکراین: تقابل ژئوپلیتیکی با روسیه و تلاش برای حفظ نظم

بین‌المللی

بحران کنونی اوکراین نشان‌دهنده اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیکی این کشور برای آمریکا و غرب است. از یک سو آمریکا و متحدانش در ناتو به شدت نگران سیاست‌های توسعه‌طلبانه روسیه در منطقه هستند و از سوی دیگر، حضور روسیه در بحران اوکراین به‌عنوان یک چالش بزرگ برای امنیت بین‌المللی تلقی می‌شود. موقعیت اوکراین به‌عنوان یک کشور کلیدی بین اروپا و روسیه، آن را به صحنه‌ای برای رقابت میان غرب و روسیه تبدیل کرده است.

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا تلاش کرده نفوذ خود را در کشورهای تازه استقلال یافته شوروی، به‌ویژه اوکراین، افزایش دهد. اوکراین برای آمریکا به‌عنوان یک مهره کلیدی در مقابله با نفوذ روسیه در اروپای شرقی و جلوگیری از هژمونی مسکو در منطقه تلقی می‌شود. واشینگتن از طریق حمایت سیاسی، اقتصادی و نظامی از دولت‌های اوکراین به دنبال تقویت این کشور و کاهش نفوذ روسیه است (A. Lavrov & A. Nikolsky, 2019: 91). در این راستا، آمریکا پس از بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴، حمایت گسترده‌ای از این کشور انجام داده است. این حمایت‌ها شامل تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه، کمک‌های مالی به اوکراین و تقویت نیروهای نظامی اوکراین می‌شود. تحریم‌های اقتصادی به‌ویژه تأثیرات عمیقی بر اقتصاد روسیه گذاشته و فشارهای بین‌المللی علیه مسکو را افزایش داده است. ایالات متحده همچنین با ایجاد ائتلاف‌های سیاسی و نظامی با کشورهای عضو ناتو تلاش کرده تا امنیت منطقه‌ای را تضمین و از تجاوزات احتمالی روسیه جلوگیری کند.

در زمینه نظامی، آمریکا نقش برجسته‌ای در تقویت توانایی‌های دفاعی اوکراین ایفا کرده است. آمریکا با ارسال تجهیزات نظامی و ارائه آموزش‌های نظامی به نیروهای اوکراینی، این کشور را برای مقابله با تهدیدات نظامی روسیه آماده کرده است. همچنین، ناتو با حمایت آمریکا، حضور خود را در مرزهای شرقی تقویت کرده و گروه‌های واکنش سریع را در کشورهای اروپای شرقی مستقر کرده تا در صورت هر گونه تجاوز احتمالی روسیه آماده مقابله باشند. آمریکا همچنین تلاش کرده تا از طریق دیپلماسی بین‌المللی، اجماعی جهانی علیه اقدامات روسیه در اوکراین ایجاد کند. به‌ویژه پس از الحاق کریمه به روسیه، واشینگتن به رهبری غرب برای اعمال تحریم‌های سخت‌گیرانه علیه مسکو وارد عمل شد. این تحریم‌ها شامل مسدود کردن دارایی‌های مقام‌های روسی و ممنوعیت‌های سفر بود که هدف آنها فشار آوردن بر مسکو برای بازگشت به مذاکرات و احترام به تمامیت ارضی اوکراین بود. در عین حال، نقش ناتو به‌عنوان یک سازمان نظامی تحت رهبری آمریکا در این بحران بسیار برجسته بوده است. ناتو نه تنها اقدامات روسیه را محکوم کرده، بلکه با افزایش همکاری‌های نظامی با اوکراین و دیگر کشورهای شرق اروپا، تلاش کرده تا قدرت نظامی روسیه را مهار کند. ناتو با تشکیل گروه‌های واکنش سریع و تقویت حضور نظامی در مرزهای شرقی، سعی کرده پیام قاطعی به روسیه ارسال کند که هر گونه تهدید علیه کشورهای عضو ناتو با پاسخ سریع و قاطع مواجه خواهد شد. از سوی دیگر، رقابت‌های انرژی نیز بخش مهمی از این بحران را تشکیل می‌دهد. آمریکا و اتحادیه اروپا در تلاش هستند تا وابستگی اروپا به گاز روسیه را کاهش دهند و از گاز طبیعی به‌عنوان ابزاری برای فشار بر روسیه استفاده کنند.

این رقابت انرژی، به‌ویژه با در نظر گرفتن نقش اوکراین به‌عنوان یکی از مسیرهای اصلی انتقال گاز روسیه به اروپا، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. آمریکا با حمایت از پروژه‌های انرژی جایگزین، از جمله LNG، تلاش می‌کند اروپا را از این وابستگی رهایی بخشد.

در نهایت، سیاست‌های آمریکا در قبال بحران اوکراین نشان‌دهنده تلاش این کشور برای مقابله با نفوذ روسیه و تضمین امنیت و ثبات در اروپا است. آمریکا با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی در کنار متحدانش در ناتو، سعی دارد نه تنها از تمامیت ارضی اوکراین دفاع کند، بلکه پیام روشنی به روسیه بفرستد که اقدامات توسعه‌طلبانه آن در منطقه تحمل نخواهد شد. این بحران نیز بخشی از رقابت گسترده‌تر ژئوپلیتیکی میان آمریکا و روسیه است که بر سر نظم جهانی و نفوذ در مناطق حساس استراتژیک ادامه دارد.

رویکرد ایالات متحده آمریکا نسبت به سیاست‌های فدراسیون روسیه در قبال بحران

اوکراین

اگرچه اختلافات اساسی در روابط بین مسکو و واشینگتن وجود دارد، اما ولادیمیر پوتین و باراک اوباما در ۱۷ ژوئن ۲۰۱۳ بیانیه مشترکی را امضا کردند که در آن ایالات متحده آمریکا و فدراسیون روسیه آمادگی خود را برای تشدید همکاری‌های دو جانبه بر مبنای متقابل اعلام کردند. اما مفاد این بیانیه نه تنها اجرایی نشد، بلکه در سال ۲۰۱۴ روابط دو کشور به طور غیر منتظره‌ای متشنج شد. دلیل اصلی این تغییر رویکرد، بحران اوکراین و تضاد منافع روسیه و آمریکا در این کشور بود.

با آغاز اعتراضات در اوکراین در سال ۲۰۱۳، آمریکا با اعلام حمایت خود از معترضان، حمایت خود را از اصلاحات در اوکراین اعلام کرد. در ۱۵ دسامبر، سناتور کریستوفر مورفی و سناتور مک کین از اوکراین بازدید کردند و با معترضان صحبت کردند. سناتور مورفی اظهار داشت که در آینده اروپا و ایالات متحده در کنار اوکراین خواهد بود. همان‌طور که سناتور مک کین اظهار داشت: ما اینجا هستیم تا به یک دلیل از شما حمایت کنیم. حق اوکراین برای تصمیم‌گیری آزادانه و مستقل درباره سرنوشت خود و سرنوشت اوکراین با اروپا مرتبط است. با توجه به اهمیت اوکراین برای ایالات متحده آمریکا، دولت اوباما در سال ۲۰۱۴ از کنگره حدود ۹۵.۲۷۱ میلیون دلار برای کمک به اوکراین درخواست کرد. از این مبلغ ۵۳.۹۵۷ میلیون دلار برای صندوق حمایت اقتصادی، ۴.۲ میلیون دلار برای هزینه‌های نظامی، ۲۸.۷۰۴ میلیون دلار برای برنامه‌های بهداشت جهانی وابسته به وزارت خارجه، ۱.۹ میلیون دلار برای

بودجه برنامه‌های آموزشی نظامی بین‌المللی، ۴.۱ میلیون دلار به برنامه‌های منع اشاعه و مبارزه با تروریسم و برنامه‌های دیگر اختصاص یافت (صفاری و وثوقی، ۱۳۹۵: ۱۲۸-۱۲۷).

همه اینها توسط ایالات متحده آمریکا انجام شد زیرا این کشور برای ایالات متحده آمریکا در برخورد با روسیه و اتخاذ سیاست مهار اهمیت زیادی دارد. در تعریف افرادی مانند مکیندر، اروپای شرقی قلب است. اوکراین به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود، کلید این قلب نامیده شده است. نزدیکی این کشور به دریای سیاه اهمیت آن را برای قدرت‌های بزرگ به‌ویژه ایالات متحده آمریکا بسیار افزایش داده است. اوکراین در جنوب غربی فدراسیون روسیه قرار دارد و دروازه روسیه به غرب است. این کشور در اولین حلقه اقیانوسی برای روسیه از اهمیت حیاتی برخوردار است زیرا به راحتی می‌توان از این کشور برای محاصره روسیه استفاده کرد. بنابراین برای روسیه از اهمیت استراتژیک بالایی برخوردار است. علاوه بر این، این ورودی زمینی به جنوب غربی روسیه است و شبه جزیره کریمه مشرف به ساحل محدود روسیه در دریای سیاه است. اوکراین همچنین دارای بخش مهمی از سواحل دریای سیاه و بنادر مهم آن از جمله سواستوپل^۱ و اودسا است که روسیه در دوران شوروی از آنها برای استقرار ناوگان خود در دریای سیاه استفاده می‌کرد (کرمزادی و خوانساری فرد، ۱۳۹۳: ۱۴۵).

اوکراین همچنین پل ارتباطی روسیه و اتحادیه اروپا است و روسیه بیشتر تجارت خود با اروپا را از طریق اوکراین انجام می‌دهد. اوکراین نیز یک مسیر ترانزیتی است. روسیه بیشتر انرژی خود را از طریق این کشور صادر می‌کند. بنابراین اهمیت ژئوپلیتیک زیادی دارد. موقعیت سرزمینی اوکراین، از یک سو شمال اروپا در منطقه دریای بالتیک را به منطقه جنوب شرقی اروپا در دریای سیاه متصل می‌کند، علاوه بر این، اوکراین دارای مرز آبی به طول ۲۷۸۲ کیلومتر است که می‌توان آن را قطب حمل و نقل جنوب به شمال و شرق به غرب برای خطوط حمل و نقل انرژی و بار به اروپا دانست. از نظر وسعت، دومین کشور بزرگ اروپا است که بر اهمیت اقتصادی این کشور به‌عنوان بازار مناسبی برای جذب سرمایه‌گذاری می‌افزاید. آمریکا با داشتن چنین مزیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی بالا، بلافاصله از این کشور در خصوص تحولات اوکراین و همچنین سیاست تجزیه‌طلبانه و توسعه‌طلبانه آمریکا در قبال اوکراین حمایت کرد و در گام بعدی اقدام به مجازات روسیه کرد (بهشتی‌پور، ۱۳۸۸: ۲۵).

بحران ۲۰۲۲ اوکراین

روسیه در ۲ مارس ۱۴۰۰، مطابق با ۲۱ فوریه ۲۰۲۲، جدایی و اعلام استقلال جمهوری خلق دونتسک و جمهوری خلق لوهانسک در منطقه دونباس در شرق اوکراین را به رسمیت شناخت. وی همچنین بر انکار عضویت اوکراین در ناتو و لزوم تامین امنیت روس‌های اوکراینی به‌ویژه در جمهوری‌های تازه تاسیس و همچنین امنیت روسیه از سوی غرب و ناتو تاکید کرد. یک روز بعد، شورای فدراسیون روسیه به اتفاق آرا به رئیس‌جمهور پوتین اجازه استفاده از نیروی نظامی فراتر از مرزهای روسیه، به‌ویژه در اوکراین را صادر کرد. سپس، تقریباً در ساعت ۵ صبح در ۵ مارس ۱۴۰۰ / ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، رئیس‌جمهور روسیه، پوتین، شروع یک عملیات نظامی ویژه در شرق اوکراین را اعلام کرد. دقایقی بعد پرتاب موشک به سمت اوکراین از جمله پایتخت آغاز و نیروی زمینی روسیه وارد خاک اوکراین شد. رئیس‌جمهور اوکراین همچنین حکومت نظامی اعلام کرد و روابط دیپلماتیک خود را با روسیه قطع کرد و بسیج عمومی در این کشور را تشکیل داد. عملیات نظامی روسیه از شرق اوکراین، بلاروس و شبه جزیره کریمه در داخل اوکراین انجام شد.

اهداف ژئوپلیتیک فعلی روسیه

۱. احیای سرزمین‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی اتحاد جماهیر شوروی سابق و الحاق آنها به روسیه.
 ۲. گسترش فضایی برای دستیابی به تضمین امنیتی پایدار، ایجاد یک منطقه حائل در اطراف خود و دور نگه داشتن رقبا (آمریکا، ناتو، چین) از فضای ملی روسیه.
 ۳. اجرای سیاست بازدارندگی الحاق اجزای فضایی شوروی سابق به قلمروهای ژئوپلیتیکی رقبا، به‌ویژه ایالات متحده و ناتو.
 ۴. تحقق رویای ژئوپلیتیکی اوراسیایسم و ادغام قدرت و حاکمیت روسیه در فضای سرزمینی اوراسیا (اندیشه امپریالیستی سنتی روسیه و همچنین اندیشه جدید الکساندر دوگین).
 ۵. دستیابی به قدرت جهانی و برتری جهانی با قرار دادن ساختار اقیانوس اطلس (انگلیس و آمریکا) و چین در موقعیت ژئوپلیتیک ثانویه.
- حمله نظامی اخیر روسیه به اوکراین در راستای اهداف فوق‌الذکر است.

ویژگی‌های ژئوپلیتیک اوکراین (علت بحران فعلی)

۱. قرار گرفتن در موقعیت ژئوپلیتیکی به‌عنوان حائل بین روسیه، ناتو و اتحادیه اروپا.

۲. وجود یک سایت ترانزیت و کنترل بین دو سیستم فضایی در آسیا و اروپا (طرح انرژی یک کمربند، یک جاده).
۳. تاریخ حضور در فضای جغرافیایی اوراسیا و مجاورت آن با روسیه و در نتیجه بخشی از رویای اوراسیاگرایی روسی.
۴. وجود ساختار فضایی و انسانی تقسیم شده یا حالت گسیخته (شرقی و غربی).
۵. وجود محل و دروازه مشترک در سطح اتصال دو بلوک قدرت جهانی و نیز شکاف ژئواستراتژیک^۱ غرب.
۶. استحکام سطح دوم نظام ژئوپلیتیکی اسلاوی در جهان و در نتیجه برخورداری از پتانسیل رقابت و رویارویی با روسیه به عنوان قدرت سطح اول نظام و ساختار اسلاوی.
۷. ارتباط تاریخی و ساختاری با روسیه و همچنین نگرش روس‌ها نسبت به اوکراین و کیف به عنوان جد فضایی روسیه.
۸. وجود ارزش اقتصادی و تغذیه‌ای منطقه جغرافیایی اوکراین با خاک حاصلخیز چرنوزم به عنوان انبار غلات.
۹. وجود زیرساخت‌های جغرافیایی و ارزش‌های روبنایی از جمله موقعیت استراتژیک دریایی (دریای سیاه و کریمه)، فضا و قابلیت‌های فناوری اتمی، صنایع، علم و فناوری، کشاورزی، منابع طبیعی، منابع آب، نیروی کار متخصص، معادن و مواد معدنی.
۱۰. داشتن موقعیت همسایه با بزرگ‌ترین اتحاد نظامی در جهان و همچنین اتحادیه اروپا.
۱۱. دسترسی به مسکو و غرب روسیه، به عنوان ابزاری برای کنترل و محدود کردن روسیه توسط رقبای ژئواستراتژیک.

دلایل حمله ۲۰۲۲ روسیه به اوکراین و ایجاد بحران ۲۰۲۲

حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ باید در این زمینه مشاهده شود و تاریخچه موارد قبلی را باید در نظر داشته باشید. تلاش‌های روسیه این است که کیف را از ناتو دور نگه دارد و از روابط تاریخی و فرهنگی آن با این کشور محافظت کند. علاوه بر این، این دو کشور دارای مرزهای جغرافیایی طولانی، اشتراکات فرهنگی گسترده اسلاوها و اقتصادهای بسیار به هم پیوسته هستند. به عنوان مثال، ۵۰٪

صادرات گاز روسیه به اتحادیه اروپا از خطوط لوله در اوکراین عبور می‌کند. بنابراین برای روسیه، اوکراین فقط یک همسایه مانند سایر همسایگان نیست و دارای اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک ویژه‌ای است. دیدگاه‌ها و تجزیه و تحلیل‌های مختلف در مورد دلایل حمله روسیه به اوکراین مطرح شده که هر یک از آنها مؤلفه‌های خاصی را در بر گرفته است. این موارد شامل سطوح خرد و کلان است.

برخی از تحلیلگران دیگر، از جمله (Mearsheimer, 2014) در مقاله «چرا بحران اوکراین تقصیر غرب است؟»، به ماهیت واکنشی سیاست خارجی روسیه اشاره می‌کند و در نظر می‌گیرد که بحران اوکراین ناشی از سیاست‌های غرب است و نه سیاست‌های کرملین. از آنجا که سیاست‌های غربی، صرف نظر از ارزش‌ها و علایق روسیه، همیشه تمایل به گسترش توافقنامه‌ها و اتحاد امنیتی با شرق و نادیده گرفتن نگرانی‌های مسکو دارند، میرشیمر معتقد است که تلاش برای تبدیل شدن به اوکراین به عضویت ناتو و حذف آن از دایره مسکو برای روسیه غیر قابل قبول است و انتظار می‌رود که واکنش مسکو پیش‌بینی شود. به نظر وی، «رهبران آمریکا و اروپا در تلاش برای تبدیل اوکراین به یک دژ غربی اشتباه بزرگی مرتکب شده‌اند». دلیل اختلاف روسیه با غرب بر سر اوکراین و بی‌توجهی به ارزش‌ها و منافع مسکو است. به نظر او ارزش‌های روسی از نظر فرهنگی با نظام ارزشی غربی متفاوت است و از مسیحیت شرقی الهام گرفته شده است. بنابراین روسیه زمانی با غرب همکاری می‌کند که ارزش‌ها و منافع اصلی آن به چالش کشیده نشود. اما اگر این علایق و ارزش‌ها به چالش کشیده شود، روسیه یک سیاست ملی‌گرایی و یک رویکرد تهاجمی را اتخاذ می‌کند، به‌ویژه اگر ظرفیت و قدرت لازم را داشته باشد. به گفته وی، از دیدگاه ژئوپلیتیکی، بسیاری در کرملین معتقد هستند که اگر روسیه بخواهد قدرت و ثبات خود را حفظ کند و یک کشور مستقل با یک فرهنگ و حاکمیت اصلی باشد، اوکراین آخرین ستون آن است و اگر سقوط کند، ارزش‌ها و منافع نیز از بین خواهد رفت. بنابراین اوکراین صحنه تقابل ارزش‌ها و منافع روسیه و غرب محسوب می‌شود.

(Korostlova & Flackhart, 2022) در مقاله «جنگ در اوکراین: پوتین و جهان چندرسانه‌ای» تلاش کردند تا حمله اخیر روسیه به اوکراین را توضیح دهند و آن را با نابودی نظم جهانی فعلی و ظهور نظم جدید پیوند دهند. به گفته آنها، حمله مسکو به اوکراین نشان‌دهنده ظهور این جهان و نظم‌های جدید است. آنها معتقد هستند که به نظر می‌رسد این جهان چند سیستمی به جای دنیای همکاری، دنیای درگیری است. آنها همچنین معتقدند که اعضای سیستم اوراسیا چندان به دیدگاه پوتین اهمیت نمی‌دهند.

در نتیجه، نظم اوراسیا به جای ایجاد و تداوم بر اساس رضایت، مبتنی بر زور و اقتدار خواهد بود. (کولایی و صداقت، ۲۰۱۷) در مقاله «بحران اوکراین و آیین نظامی روسیه» استدلال می‌کنند که تلاش‌های کشورهای غربی برای نفوذ در اوکراین در زمینه‌های مختلف باعث افزایش و تعمیق احساس تهدید و ناامنی در روسیه شده و این مشکل نیز به نوبه خود پدیدار شده و باعث شده است که سیاست روسیه در این زمینه تهاجمی شود. (دانسنیا و مارابی، ۲۰۱۶) در مقاله رویارویی بین آمریکا و روسیه در اوکراین ادعا می‌کنند که آمریکا به دنبال گسترش نفوذ خود در منطقه و ورود به زندگی خصوصی روسیه و در نتیجه، نفوذ مسکو را محدود می‌کند. روسیه نیز با احساس خطر از این وضعیت، به دنبال ایجاد یک منطقه حائل برای جلوگیری از گسترش نفوذ و حضور آمریکا است. بنابراین، اوکراین قربانی موقعیت ژئوپلیتیک خود شد. نویسندگان بر این باور هستند که بحران در اوکراین نتیجه دو عامل است: موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور و رقابت فزاینده بین آمریکا و روسیه در سطح سیستم بین‌المللی. با بررسی ادبیات موجود در مورد دلایل حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، مشخص می‌شود که مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی و استراتژیک روسی خطوط اصلی تجزیه و تحلیل را تشکیل می‌دهند. نوآوری ما در این پژوهش این است که با طراحی یک چارچوب مفهومی ترکیبی در زمینه نقش سوء برداشت‌ها در ورود به جنگ، به دنبال بررسی برداشت‌ها و تصورات روسیه در ابعاد مربوط به اوکراین و نقش این مؤلفه‌ها در جنگ هستیم.

حوزه‌های مهم جنگ هیبریدی اوکراین

جنگ هیبریدی و حملات سایبری

حملات سایبری جزء اصلی جنگ هیبریدی هستند و با گسترش دنیای فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهان، استفاده از این تاکتیک‌ها نیز در حال افزایش است. از زمان آغاز حملات نظامی روسیه به اوکراین، حملات سایبری بخشی از تاکتیک‌های کلیدی روسیه بوده و مسکو از این استراتژی به طور گسترده استفاده کرده است. در اولین ساعات این رویداد، حملات سایبری گسترده هم‌زمان با عملیات نظامی علیه اوکراین آغاز شد و یک هفته پس از شروع جنگ، ۲۴۰ حمله سایبری رخ داد و در نتیجه مهم‌ترین مراکز زیرساختی و وبسایت‌های مهم اوکراین مختل و غیر فعال شدند، از جمله: سایت وزارت امور خارجه و مراکز حساس دولتی. البته بسیاری از فعالیت‌های سایبری روسیه به زمان جنگ

محدود نمی‌شود، زیرا نیروهای سایبری روسیه از سال گذشته حملات سایبری گسترده‌ای را علیه شبکه‌های انرژی و سیستم‌های امنیتی و دولتی کی‌یف سازماندهی کرده‌اند (جوشی، ۲۰۲۲: ۵).

راهبرد تبلیغاتی روسیه در جنگ ترکیبی

ساختارهای نظامی در عملیات جاری (نامنظم و مختلط) روش‌ها، مکانیسم‌ها یا مدل‌های مختلفی را در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مأموریت به کار می‌گیرند. بنابراین، برای تهیه چارچوبی تحلیلی برای «سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، اطلاعاتی، زیرساختی، محیط فیزیکی و زمان» یا برای درک وسیع‌تر از فعالیت‌های نظامی رهبران از مدل، حوزه، ساختارها و قابلیت‌های ASCOPE، از سازمان‌ها استفاده کنید. افراد و رویدادها اگر به دلایلی مانند دامنه موضوع یا پیچیدگی فرایند طراحی چنین مدلی امکان‌پذیر نباشد، به دلیل محدودیت‌های کلمه، امکان تحلیل تمام جنبه‌های مدل PEMS و ASCOPE در بحران اوکراین وجود ندارد. در مواجهه با جنگ اطلاعاتی مسکو، منابع رسانه‌ای اوکراین ممکن است محدود باشد، اما بی‌فایده نیستند و این نشان می‌دهد که وضعیت اوکراین، همان‌طور که آژانس‌های تبلیغاتی روسیه تلاش می‌کنند ثابت کنند، «ساده، سیاه و سفید» است. غرب شیطان سیاه و روسیه فرشته‌ای است که از بهشت فرود آمده است» (درزیسکا، ۱۳۹۳: ۲۴). علاوه بر این موضوع، دو هدف اصلی تبلیغات روسیه با توجه به توانمندی رسانه‌های آن باید مورد توجه قرار گیرد: نقاط قوت آن و نفوذ بر جمعیت اوکراین و ثانیاً ضعف‌های آن و توانایی رسانه‌های اوکراینی در استفاده از این آسیب‌پذیری‌ها. تبلیغات روسی حجم بسیار بالایی دارد و در تعداد زیادی کانال پخش می‌شود. این تبلیغات شامل «متن، ویدیو، صدا و تصاویر پخش شده از طریق اینترنت، رسانه‌های اجتماعی، ماهواره، رادیو و تلویزیون» (کریستوفر مرام، ۲۰۱۶: ۱۲) واعظان در کنترل هستند. روس‌ها همچنین هزاران حساب جعلی در شبکه‌های اجتماعی مختلف دارند که توسط «ترول‌ها» برای حمله به ضد استفاده می‌شود. با رشد فناوری اطلاعات، تقویت جایگاه رسانه‌های اجتماعی و اهمیت روزافزون افکار عمومی در جهان، دولت‌ها به سمت کنترل رسانه‌های اجتماعی حرکت می‌کنند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جنگ روسیه و اوکراین، نقش مهم و تاثیرگذار رسانه‌ها به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی است. از ابتدای این نبرد، هر دو طرف به طور گسترده از ابزارهای رسانه‌ای استفاده کرده‌اند که نقش شبکه‌های اجتماعی کاملاً محسوس است. جدای از جبهه نظامی، جنگ دیگری در عرصه سایبری در حال وقوع است. پیش از این جنگ ویتنام به‌عنوان اولین جنگی شناخته می‌شد که نقش تلویزیون در آن برجسته شد و این ابزار برای اولین بار در روایت جنگ مورد استفاده قرار گرفت. بحران داخلی یوگسلاوی نیز به‌عنوان

اولین جنگی معرفی شده که در آن ابزار اینترنت به طور گسترده برای پخش اخبار مورد استفاده قرار گرفت. اما جنگ روسیه و اوکراین در سال ۲۰۲۲ اولین جنگ در شبکه‌های اجتماعی محسوب می‌شود. در این جنگ، بازیگران کنترل رسانه‌های اجتماعی و ابزارهای رسانه‌ای را یک تاکتیک چریکی در جنگ نامتقارن می‌دانند که می‌تواند نقش تخریب دشمن و ایجاد همدردی با دیگران را داشته باشد (Socio, 2022: 6). چند روز پس از حمله مسکو به کی‌یف، تعدادی از شبکه‌های اجتماعی از جمله فیس‌بوک و توئیتر اعلام کردند که برخی اطلاعات هماهنگ و نادرست در این شبکه‌ها منتشر می‌شود که عموماً ضد اوکراین هستند و به دنبال توجیه و مشروعیت بخشیدن به عملیات نظامی روسیه هستند. این نوع اقدامات در سطح شبکه‌های اجتماعی و از طریق رسانه‌های عمومی و کانال‌های تلویزیونی رخ می‌دهد (Bushwick, 2022: 3). یکی دیگر از راهبردهای مهم و کلیدی برای مسکو، استفاده گسترده از پلتفرم‌های اجتماعی و رسانه‌های دولتی برای حمایت از اقلیت‌های قومی و روسی‌زبانان در شرق اوکراین، ترویج احساسات جدایی‌طلبانه و ایجاد تفرقه بین اوکراینی‌ها است؛ تمامیت ارضی کی‌یف را نیز هدف قرار داده است. از آنجایی که فساد گسترده در میان دولتمردان اوکراینی وجود دارد، رسانه‌های روسی با افشا و دستکاری این کاستی‌ها سعی در مشروعیت‌زدایی از رهبران اوکراینی دارند. مسکو رسانه‌های اجتماعی را سلاحی قدرتمند در جهت‌دهی افکار عمومی اوکراین علیه دولتمردان می‌داند و از این طریق به دنبال ایجاد تفرقه و تقابل بین مردم و رهبران اوکراین است (Peterson, 2022: 4).

نتیجه

بحران اوکراین (۲۰۱۴-۲۰۲۲) یکی از نمونه‌های برجسته جنگ هیبریدی است که به رویارویی ژئوپلیتیکی میان روسیه و آمریکا منجر شده و ترکیبی از ابزارهای نظامی، سایبری، روانی و اقتصادی را به کار گرفته است. روسیه در این جنگ، با بهره‌گیری از استراتژی‌های ترکیبی شامل حملات سایبری به زیرساخت‌های اوکراین، ایجاد ناآرامی‌های داخلی از طریق حمایت از گروه‌های جدایی‌طلب و نفوذ رسانه‌ای برای تحریک افکار عمومی، توانست فشارهای زیادی بر اوکراین وارد کند. به‌ویژه، حملات سایبری به زیرساخت‌های حیاتی همچون انرژی و ارتباطات، نقش کلیدی در تضعیف ظرفیت‌های اوکراین برای مقابله با تجاوز روسیه داشته است. تبلیغات رسانه‌ای گسترده نیز، یکی از عناصر مهم جنگ ترکیبی روسیه بود که توانست افکار عمومی را در شرق اوکراین و سایر نقاط هدف قرار دهد و فضای سیاسی داخلی اوکراین را تضعیف کند. در مقابل، آمریکا با استفاده از تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه، حمایت‌های نظامی و دیپلماتیک از اوکراین و ایجاد ائتلاف‌های بین‌المللی سعی کرد از گسترش

نفوذ روسیه جلوگیری کند. ناتو نیز با افزایش حضور نظامی در مرزهای شرقی اروپا و تقویت توان دفاعی اوکراین، به مقابله با تهدیدات روسیه پرداخت. حمایت‌های نظامی و لجستیکی ناتو و کشورهای اروپایی، اگرچه توان اوکراین را در میدان نبرد بهبود بخشید، اما نتوانست از عمق تأثیرات جنگ هیبریدی روسیه بکاهد.

اسرائیل، به‌عنوان بازیگری با منافع منطقه‌ای خاص، با دقت تحولات اوکراین را دنبال کرده و تلاش کرده در این منازعه ژئوپلیتیکی، توازن خود را در روابط با روسیه و آمریکا حفظ کند. اسرائیل به دلیل روابط نزدیک با هر دو طرف و توجه به تحولات منطقه‌ای، سیاست محتاطانه‌ای را اتخاذ کرده است. جنگ ترکیبی روسیه و اوکراین با استفاده از نیروهای رسمی و غیر رسمی، پهپادها، حملات سایبری، جنگ روانی و دیگر ابزارهای مدرن، نشان‌دهنده تحول در استراتژی‌های نظامی معاصر است. این جنگ نه تنها به‌عنوان یک منازعه بر سر سرزمین و منابع، بلکه به‌عنوان نبردی برای تعیین قدرت و نفوذ در جهان پسا شوروی و ایجاد تعادل جدیدی در نظام بین‌الملل مطرح است.

پیشنهادات

با توجه به نقش کلیدی حملات سایبری در جنگ هیبریدی روسیه علیه اوکراین، پیشنهاد می‌شود کشورها، به‌ویژه اوکراین و متحدانش، برنامه‌های دفاع سایبری خود را تقویت کرده و زیرساخت‌های حساس را در برابر حملات سایبری مقاوم‌سازی کنند. همچنین، با توجه به پیچیدگی‌های جنگ‌های هیبریدی که شامل طیف گسترده‌ای از تاکتیک‌ها از جمله حملات سایبری و تبلیغات رسانه‌ای می‌شود، ضروری است که کشورها در سطح بین‌المللی، به‌ویژه از طریق ناتو و سازمان‌های مشابه، برای به اشتراک گذاشتن تجربیات و تقویت توانمندی‌های دفاعی خود همکاری کنند. کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا و اتحادیه اروپا باید تحریم‌های اقتصادی هوشمند و هدفمندی را علیه روسیه ادامه دهند و هم‌زمان از ابزارهای دیپلماتیک برای کاهش تنش‌ها استفاده کنند تا از گسترش بیشتر درگیری‌ها جلوگیری شود. همچنین، با توجه به نقش خاص و متوازن اسرائیل در روابط خود با هر دو طرف، این کشور می‌تواند به‌عنوان یک میانجی برای تسهیل گفتگوهای صلح بین روسیه و اوکراین و کاهش تنش‌های منطقه‌ای عمل کند.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- بهشتی‌پور، حسن (۱۳۸۸)، تحلیل سیاست‌های ژئوپلیتیک روسیه در اوکراین، اندیشکده راهبردی تبیین.

- ۲- پورحسن، عباس (۱۳۹۶)، آماد و اطلاع‌رسانی، مجموعه مقالات اولین همایش سراسری اطلاع‌رسانی نیروهای مسلح، تهران: نشر اطلاع‌رسانی دانشگاه مالک اشتر.
- ۳- ثمودی، علیرضا (۱۳۹۸)، نظریه آشوب و کاربرد آن در تصمیم‌گیری‌های سازمانی، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی.
- ۴- جوشی، آرناپ (۲۰۲۲)، بررسی استراتژی‌های حملات سایبری روسیه در جنگ اوکراین.
- ۵- دانسنیا، جان و استفان مارابی (۲۰۱۶)، رویارویی آمریکا و روسیه در اوکراین، ژئوپلیتیک و امنیت بین‌الملل.
- ۶- صفاری، مهدی و سعید وثوقی (۱۳۹۵)، «نقش آمریکا در بحران اوکراین»، فصلنامه مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- ۷- عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۹۲)، «بازتاب معادلات بین‌المللی در اوکراین»، اندیشکده راهبردی تبیین.
- ۸- کرزادی، احمد و مهدی خوانساری فرد (۱۳۹۳)، «تحلیل ژئوپلیتیکی موقعیت اوکراین»، پژوهشنامه جغرافیای سیاسی.
- ۹- کریستوفر، مرام (۲۰۱۶)، تحلیل تبلیغات رسانه‌ای روسیه.
- ۱۰- کریستوفر، مریم (۲۰۱۶)، تاثیر تبلیغات رسانه‌ای در جنگ‌های هیبریدی.
- ۱۱- کولایی، الهه و زهرا صداقت (۲۰۱۷)، «بحران اوکراین و سیاست نظامی روسیه»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی.

منابع غیر فارسی

- 1- Alpher, Yossi. (2014). "The Ukraine/Crimea Crisis: Ramifications for the Middle East." Noref: Norwegian Peacebuilding Resource Center. p. 2.
- 2- Bushwick, S. (2022). Analysis of the Role of Social Media in the Russia-Ukraine War.
- 3- Flackhart, P. and Korostlova, I. (2022). The War in Ukraine: Putin and the Multi-System World. Journal of International Relations.
- 4- Laruelle, Marlene. (2018). Russian Nationalism: Imaginaries, Doctrines, and Political Battlefields. London, Routledge.
- 5- Lavrov, Sergei and Nikolsky, A. (2019). Neglect and Rot: Degradation of Ukraine's Military in the Interim Period. In Howard and Pukhov (Eds.), Brothers Armed: Military Aspects of the Crisis in Ukraine.
- 6- Mearsheimer, John. (2014). Why the Ukraine Crisis Is the West's Fault: The Liberal Delusions That Provoked Putin. Foreign Affairs.
- 7- Menon, R. and Rumer, E. (2015). Conflict in Ukraine: The Unwinding of the Post-Cold War Order. MIT Press.
- 8- Peterson, R. (2022). Analysis of Russia's Hybrid Warfare and the Use of Social Media in the Ukraine Crisis.